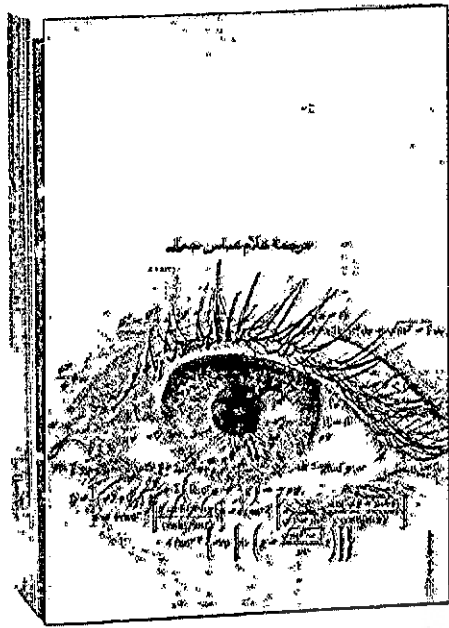


# وصیت پدیدارشناسی پیر

هوسرل بحران را نه صرفاً یک عارضه موقت سیاسی

بلکه بحرانی ریشه‌ای در حیات «انسان اروپایی» می‌داند

میشم علیپور



عمران هوسرل

کتاب «بحران علوم اروپایی و دیدارشناسی استعلایی» که در حقیقت فارسی‌سازی از کتاب «بحران علم اروپایی» است، یکی از مهم‌ترین آثار هوسرل است. در این کتاب، هوسرل به بررسی ماهیت و ماهیت‌گرایی استعلایی خود دست بر داشته و رو به سوی افق‌های تاریخی و زمان‌مند می‌آورد. این تحدید نظر هوسرل را بعضی از مفسران به نامیدی او از امکان تحقق «فلسفه به مثابه علم متقن» سبب می‌دهند و بعضی دیگر هم به تأثیر خارق‌العاده‌ای که مباحث آگزیستانسیالیستی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ اروپا داشت اما آنچه مهم است نگاه خود هوسرل به ظرفیت‌های پدیدارشناسی است؛ به طوری که این امکان را فراهم می‌سازد تا در هر خوانش جدید، امکانات، ظرفیت‌ها و تفاسیر جدیدی هم محقق شود. از سوی دیگر هوسرل در فضای میان ۲ جنگ جهانی متوجه وضعیت ما، انسان اروپایی و خلأ و یاس فزاینده‌ای شده بود که کل وضع بشر را تهدید می‌کرد. او به خوبی دریافت که انسان اروپایی عمیقاً فاقد جهت برای وجود خویش و برای انسان به مثابه یک کل است. احساس تهی بودن ارزش‌های فرهنگی اروپا، احساس بحران و سقوط انسان اروپایی را حس کرد و از همین رو تلاش کرد پدیدارشناسی را به فلسفه‌ای معطوف به زندگی و حیات مبدل کند.

آن است که اشکال معرفت‌شناسی را در بر تو تاریخ فکر و تقویم زمانی مکانی شناخت، توصیف کند. در واقع هوسرل از رویکرد ماهیت‌گرا و ایستای خود دست برداشته و رو به سوی افق‌های تاریخی و زمان‌مند می‌آورد. این تحدید نظر هوسرل را بعضی از مفسران به نامیدی او از امکان تحقق «فلسفه به مثابه علم متقن» سبب می‌دهند و بعضی دیگر هم به تأثیر خارق‌العاده‌ای که مباحث آگزیستانسیالیستی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ اروپا داشت اما آنچه مهم است نگاه خود هوسرل به ظرفیت‌های پدیدارشناسی است؛ به طوری که این امکان را فراهم می‌سازد تا در هر خوانش جدید، امکانات، ظرفیت‌ها و تفاسیر جدیدی هم محقق شود. از سوی دیگر هوسرل در فضای میان ۲ جنگ جهانی متوجه وضعیت ما، انسان اروپایی و خلأ و یاس فزاینده‌ای شده بود که کل وضع بشر را تهدید می‌کرد. او به خوبی دریافت که انسان اروپایی عمیقاً فاقد جهت برای وجود خویش و برای انسان به مثابه یک کل است. احساس تهی بودن ارزش‌های فرهنگی اروپا، احساس بحران و سقوط انسان اروپایی را حس کرد و از همین رو تلاش کرد پدیدارشناسی را به فلسفه‌ای معطوف به زندگی و حیات مبدل کند.

کتاب «بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی» در زمان حیات هوسرل منتشر نشد. هوسرل سال‌های پایانی عمرش را درگیر موضوعاتی بود که بخش عمده‌ای از آنها در سال ۱۹۵۹ کتاب «بحران علوم اروپایی» انعکاس یافت اما با این حال آنچه ذهن پدیدارشناس آلمانی را به خود مشغول داشته بود هیچ‌گاه صورت منظم و تمام شده‌ای به خود نگرفت. علاقه‌مندان به فلسفه می‌دانند که پدیدارشناسی با هوسرل آغاز شد اما به او ختم نشد. در خود هوسرل هم ما شاهد اشکال مختلفی از پدیدارشناسی هستیم؛ پدیدارشناسی توصیفی، پدیدارشناسی ماهوی، پدیدارشناسی استعلایی و... اما وجود اشکال گوناگون از این روش فلسفه‌وروری نافی وجود یک صورت مشترک پدیدارشناسی نیست، چنان که هوسرل مداوماً در آثارش از همین صورت مشترک اولیه آغاز می‌کند؛ صوری که با اپوخه (epoche) آغاز می‌شود، در جریان تقلیل پدیدارشناختی به آگوی محض استعلایی می‌رسد و از آنجا، آگو و جهان‌ش را یک به یک تقویم (constitute) می‌کند.

بسیاری از مفسران هوسرل بر این باورند که مساله کتاب بحران علوم اروپایی مساله‌ای دیگر است؛ هر چند که هوسرل در این کتاب هم پدیدارشناسی استعلایی را مورد بحث قرار می‌دهد اما چه به لحاظ روش پرداخت به موضوعات و چه از نظر محتوایی که مورد بحث فیلسوف قرار گرفته، کتاب «بحران» تفاوت‌هایی بنیادینی با آثار دیگری همچون «ایده‌ها I» «تأملات دکارتی» و «منطق صوری و استعلایی» دارد. هوسرل در این کتاب دیگر در پی توصیف دقیق و جزء به جزء ماهیت و اشکال تقویم آگاهی نیست؛ بلکه او در پی

پیش از خود راجع و معطوف است؛ وضعیتی که هوسرل از آن تعبیر به جهان «پیشاعلمی» یا «پیشانظری» کرده و آن را اقلی از چشم‌اندازهای ریست جهان می‌داند. این توصیف از ظهور نگرش نظری و بسط آن در بحران این معنا را در بردارد که نگرش نظری متکی و وابسته به نگرش خام است و در عین حال آن را پیش می‌برد. قلمرو و افق فعالیت زندگی پیشانظری و خام در جهان مشغول به کار بوده و فعال است؛ جهانی که کوشش‌های فیلسوفان و دانشمندان به بازی گرفته می‌شود. افق جهان واقعی‌ای است که در زندگی خام و اصل جریان دارد. زیست جهان است که همیشه «قبلا آنجاست» پیش داده است و پیش فرضی است که نظریه کار خویش را با آن آغاز می‌کند. پیش دادگی واقعی جهان، ساختاری است که زندگی آگاهی را احاطه کرده و زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا آگاهی به جنبش درآید و توسط فعالیت نظری پیش فرض گرفته شود (بحران علوم اروپایی، ص ۵۲).

کتاب «بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی» را غلام عباس جمالی به فارسی برگردانده و انتشارات گام نو هم آن را منتشر کرده است. کتاب از ترجمه انگلیسی «دیوکار» به فارسی برگردانده شده و مقدمه بلند کار را هم در بر می‌گیرد. البته متأسفانه بخش سوم کتاب که مفهوم زیست جهان را محور بحث قرار می‌دهد ترجمه نشده و به این ترتیب می‌توان گفت متن فارسی کتاب تنها مقدمه و آبخش اصلی را شامل می‌شود. بخش سوم و ضمیمه‌های متعدد نسخه انگلیسی به فارسی در نیامده است اما مترجم کتاب با گزارش ۳۰ صفحه‌ای که به عنوان «پیش درآمد» و گزارش بخش سوم کتاب بحران» در پایان کتاب آورده تلاش کرده است این نقص را جبران کند.

کتاب «بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی» در زمان حیات هوسرل منتشر نشد. هوسرل سال‌های پایانی عمرش را درگیر موضوعاتی بود که بخش عمده‌ای از آنها در سال ۱۹۵۹ کتاب «بحران علوم اروپایی» انعکاس یافت اما با این حال آنچه ذهن پدیدارشناس آلمانی را به خود مشغول داشته بود هیچ‌گاه صورت منظم و تمام شده‌ای به خود نگرفت. علاقه‌مندان به فلسفه می‌دانند که پدیدارشناسی با هوسرل آغاز شد اما به او ختم نشد. در خود هوسرل هم ما شاهد اشکال مختلفی از پدیدارشناسی هستیم؛ پدیدارشناسی توصیفی، پدیدارشناسی ماهوی، پدیدارشناسی استعلایی و... اما وجود اشکال گوناگون از این روش فلسفه‌وروری نافی وجود یک صورت مشترک پدیدارشناسی نیست، چنان که هوسرل مداوماً در آثارش از همین صورت مشترک اولیه آغاز می‌کند؛ صوری که با اپوخه (epoche) آغاز می‌شود، در جریان تقلیل پدیدارشناختی به آگوی محض استعلایی می‌رسد و از آنجا، آگو و جهان‌ش را یک به یک تقویم (constitute) می‌کند.

بسیاری از مفسران هوسرل بر این باورند که مساله کتاب بحران علوم اروپایی مساله‌ای دیگر است؛ هر چند که هوسرل در این کتاب هم پدیدارشناسی استعلایی را مورد بحث قرار می‌دهد اما چه به لحاظ روش پرداخت به موضوعات و چه از نظر محتوایی که مورد بحث فیلسوف قرار گرفته، کتاب «بحران» تفاوت‌هایی بنیادینی با آثار دیگری همچون «ایده‌ها I» «تأملات دکارتی» و «منطق صوری و استعلایی» دارد. هوسرل در این کتاب دیگر در پی توصیف دقیق و جزء به جزء ماهیت و اشکال تقویم آگاهی نیست؛ بلکه او در پی